



## محقق سبزواری و تأثیرپذیری وی از اندیشه‌های امام‌علی(ع) در امر حکومت و مؤلفه‌های آن در روضه‌الانوار عباسی

مهدی فیضی سخا<sup>\*</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲  
(از ص ۱۰۱ تا ۱۱۶)

### چکیده

تشکیل حکومت صفوی، اوضاع و شرایط مساعدی را برای توجه هرچه بیشتر اندیشمندان این عصر، نسبت به معارف عالم تشییح، فراهم آورد. در این میان، توجه به اندیشه‌های امام‌علی(ع)، در نهج‌البلاغه، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به‌طوری‌که اندیشمندان حامی این حکومت، در تحلیل‌ها و تبیینات خود، به‌خصوص در ارتباط با امر حکمروایی و مؤلفه‌های آن، به این اندیشه‌ها، توجه زیادی داشتند. از جمله این اندیشمندان، محقق سبزواری است که با تألیف کتاب *روضه‌الانوار عباسی*، در قالب رساله‌ای اندرزنامه‌ای، از دیدگاه‌های امام‌علی استفاده نموده و تأکید ویژه‌ای بر این اندیشه‌ها داشته است. با این رویکرد، سبزواری، در بخش‌های مختلف کتاب خود، درصدد برآمده تا راه کارهای لازم در امر حکمروایی را برای پادشاه صفوی تبیین نماید. در این مقاله که با بهره‌مندی از روش کتابخانه‌ای و تحلیلی سامان یافته، تلاش شده تا تأثیرپذیری محقق سبزواری، از اندیشه‌های امام‌علی(ع) در امر حکمروایی و مؤلفه‌های آن، مورد بررسی قرار گیرد. در واقع این بررسی نشان می‌دهد که سبزواری در تبیین آراء خود، در موارد متعدد از اندیشه‌های امام(ع) بهره برده است.

**کلید واژه‌ها:** امام‌علی(ع)، نهج‌البلاغه، محقق سبزواری، روضه‌الانوار عباسی.

## ۱. مقدمه

ظهور حکومت صفوی، در تاریخ اندیشه سیاسی ایران زمین، با ویژگی‌ها و اختصاصات منحصر به فرد خود، شرایط را، برای بروز رویکردهای نوینی در امر حکمروایی، توسط اندیشمندان حامی این حکومت، فراهم آورد. در این راستا، این گروه از اندیشمندان، از مؤلفه‌ها و عناصری بهره‌مند شدند که در بسیاری از مواقع، اساس آن را، انگاره‌های شیعیانه تشکیل می‌داد. به نحوی که این ویژگی‌ها سبب تمایز این رویکرد، از دیگر جریانات اندیشه سیاسی در جهان اسلام، بخصوص، رویکرد غالب آن، یعنی اندیشه سیاسی اهل سنت گردید. به عبارت دیگر، شکل‌گیری حکومت صفوی، نقطه عطفی، در تاریخ اندیشه سیاسی شیعه است که طی آن، اندیشمندان برجسته‌ای نظیر محقق کرکی (م. ۹۳۸ هـ.ق)، فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۰ هـ.ق)، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ.ق)، محقق سبزواری (۱۰۱۷-۱۰۹۰ هـ.ق) و بسیاری دیگر، با بهره‌گیری از انگاره‌های متمایزکننده‌ای که به آن‌ها اشاره شد، آثاری را، ارائه نمودند که چارچوب و عرصه اندرزنانه نویسی یا شریعت‌نامه‌نویسی دوره صفوی را، به وجود آورد.

### ۱-۱. بیان مسئله

موضوع حکمروایی و عناصر مرتبط با آن، از مباحث مهمی است که در رویکردهای محقق سبزواری، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان عصر صفوی، مطرح شده و اساس آن را، مبانی اندیشه‌های شیعه تشکیل داده است. از این روی، این رویکردها، چارچوبی تشریحی یا شریعت‌نامه‌ای، به خود گرفته است. موضوعی که می‌توان، بنیان آن را، در دیدگاه‌های کلامی سبزواری، جستجو نمود (جهان‌بخش، ۱۳۸۰: ۹۶). در واقع، محقق سبزواری با تألیف *روضه‌الانوارعباسی*، در کنار دیگر آثار این حوزه از اندیشه‌ورزی، تلاش نمود تا شیوه و دستورالعمل اخلاق حکمروایی را، برای شاه‌عباس دوم «۱۰۵۲-۱۰۷۷ هـ.ق»، تدوین و آگاهی‌های لازم، در خصوص روش‌های کشورداری را، به پادشاه صفوی، آموزش دهد.

این بررسی‌ها، مشخص می‌نماید که اندیشمندان اندرزنانه نویسی شیعه‌مذهب در این دوره توانستند گونه‌ای تلفیقی، از مؤلفه‌های حکمروایی مرآتی و تشریحی را، برای پادشاهی صفوی، تدوین نمایند. بر این مبنا، از عرصه‌های مهمی که اصحاب اندیشه در دوره صفوی، با هدف غنا بخشیدن به دیدگاه‌های اندرزنانه‌ای خود، بدان عطف توجه نمودند، حوزه اندیشه‌های شیعه و سرچشمه‌های معارف آن، نظیر قرآن، سنت و سیره پیامبر اسلام و ائمه شیعه است؛ که به‌عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر این رویکردها، در آثار و تألیفات این عرصه، بازتاب فراوانی داشت. در این میان، آرا و اندیشه‌های امام‌علی، در قالب خطبه‌ها، نامه‌ها و گفتارهای وی، از مهم‌ترین این منابع است؛ زیرا که این اندیشه‌ها، به‌مثابه بسیاری دیگر از دوره‌های تاریخی، تأثیر بسزایی بر انگاره‌های اندیشمندان عصر صفوی بر جای نهاد؛ بنابراین، محقق سبزواری نیز، به‌مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان، با گرایش‌های مختلف مذهبی، از نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های معرفت در عالم اسلام، بهره‌مند گردید و به‌منظور تبیین دیدگاه‌های خود،

بخصوص در موضوعاتی نظیر حکمروایی و عدالت، به عنوان محورهای اصلی این نوشتار،<sup>۱</sup> مطالب ویژه‌ای راه، ارائه کرد. این مسئله، نشان‌دهنده جایگاه رفیع اندیشه‌های امام، در ساحت فکری محقق سبزواری است. تا جایی که وی در برخی مواقع، به منظور ابراز ارادت خود به امام، گفتارهای وی راه، با قید مقدس و قدسی (سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۲۵، ۵۶۱، ۸۱۵)، ارائه و حتی در مواردی، به هنگام ادای احترام و درود بر امام‌علی، از اصطلاح صلواالله (سبزواری، ۱۳۸۳: ۳۲۲، ۶۲۷، ۷۹۰، ۸۱۵) استفاده نمود.<sup>۲</sup>

در این ارتباط، با توجه به موضوع نوشتار حاضر، این سؤال مطرح است که مبانی اندیشه سیاسی محقق سبزواری، از چه مؤلفه‌هایی تشکیل شده است. همچنین، این فرضیه ارائه شده است که بنیان نگرش‌های محقق سبزواری در امر حکومت و عدالت، بر انگاره‌های شیعیانه، به خصوص رویکردهای امام‌علی، نهاده شده است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

در خصوص پیشینه پژوهش، علی‌رغم اهمیت موضوع، باید اشاره داشت که تاکنون در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته و برای اولین بار است که دیدگاه‌های محقق سبزواری، در خصوص امر حکومت، با تأکید بر تأثیرپذیری وی از اندیشه‌های امام‌علی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته در مورد تحقیقات انجام شده در ارتباط با آراء و دیدگاه‌های محقق سبزواری، باید اشاره شود که علاوه بر بررسی اندیشه‌های سبزواری در برخی تألیفات نظیر مقدمه‌ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی (۱۳۸۸)، نوشته هاشم آقاجری و همچنین کتاب صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (۱۳۷۹)، اثر رسول جعفریان، در مقالات متعددی، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های سبزواری، از جهات مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. از آن میان، می‌توان به مقاله نگرش تاریخی محقق سبزواری در کتاب روضه (الانوار عباسی، نوشته نجف لکزایی و زهره باقریان (۱۳۸۸)، اشاره داشت که در آن رویکرد تاریخ (نگری سبزواری، تبیین گردیده است. همچنین در مقاله روضه (الانوار عباسی، نظام‌نامه اخلاق حاکمان در عهد صفوی، تألیف محسن محمدی فشارکی و طاهره صالحیان (۱۳۹۲)، به دیدگاه‌های اخلاق محور سبزواری در روضه الانوار عباسی، توجه شده است.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با ذکر این مباحث و با توجه به موضوع نوشتار حاضر، انگاره‌های شیعه‌محور محقق سبزواری، در روضه/الانوارعباسی، به عنوان مأخذی اندرزنامه‌ای با رویکرد تشریحی، مورد بررسی قرار گرفته است؛ زیرا

۱. سبزواری همچنین، در موضوعات دیگری نظیر فضیلت دانش و علم (سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۹۹، ۸۱۵، ۳۸۹، ۳۹۴)، مشورت (همان، ۷۸۲، ۷۸۹، ۷۸۸، ۷۹۰)، سخا و جود (همان، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶)، تواضع (همان، ۳۸۷، ۳۸۸)، شجاعت، به خصوص اشاره به شجاعت‌های امام در غزوات مختلف نظیر حنین و خیبر (همان، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۶۷، ۳۶۸)، صبر (همان، ۲۸۸، ۲۸۹)، از نگرش‌های امام در تبیینات خود بهره گرفته است.

۲. درحقیقت، نهج‌البلاغه بیانیه حکومتی امام‌علی بوده و از سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار تشکیل شده است، به خصوص که نگارش‌نامه‌های امام‌علی، در وضعیت تسلط ایشان به قدرت سیاسی و اداره جامعه و توجه به امر سیاسی و سیاست صورت گرفته است (بامری، ۱۳۹۶: ۸۵).

که سبزواری، در موارد متعدد و در ارتباط با مسائل گوناگونی که در این کتاب، ارائه می‌نماید، با انگیزه تأکید بر آراء خود، با نگرشی واقع‌گرایانه و ارائه شاهد مثال، در تأیید موضوعات مطرح شده، از خطبه‌ها، نامه‌ها و گفتارهای امام علی، بهره می‌گیرد. بخصوص در این ارتباط، به صراحت اذعان می‌کند که «اهتمام دارد که در هر باب، به قدر میسور، استشهاد به آیات بینات قرآنی و احادیث شریفه نبویه<sup>۱</sup> و الفاظ مبارکه حضرات ائمه هدی<sup>۲</sup>، خصوصاً حضرت امام المشارق و المغارب امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب، علیهم افضل السلام و التحیه» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۵) نماید.

## ۲. زیست‌نامه محقق سبزواری و روضه‌الانوار عباسی

محقق سبزواری،<sup>۳</sup> یا ملامحمدباقر خراسانی (وحیدقزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۵)، از علما و فقهای برجسته دوره حکومت شاه‌عباس دوم صفوی است؛ که مهم‌ترین اقدامات علمی و مسئولیت‌های مذهبی وی، در زمان این پادشاه صفوی صورت گرفت. وی، در سبزواری متولد گردید. ولی در کودکی، به اصفهان مهاجرت و تحصیلات خود را، در محضر علما و فقهای نظیر محمدتقی مجلسی «۱۰۰۳-۱۰۷۰ هـ» ملاحسن علی شوشتری «۱۰۷۵-۱۰۷۵ هـ» وحیدرعلی اصفهانی (مهدوی، ۱۳۷۱: ۶۵، شاملو، ۱۳۷۴: ۳۸۶)، به انجام رسانید. ترقی و بالندگی سبزواری تا جایی است که در دوره حکمروایی شاه‌عباس دوم، از برجستگان علوم مختلف گردید و مقام و جایگاه ممتازی را، در دربار صفوی به دست آورد (دهگان، ۱۳۳۴: ۱۰۲). در واقع، سبزواری، با کسب این موقعیت، علاوه بر فرصت تدریس در مدرسه ملاعبدهالله شوشتری «م. ۱۰۲۱ هـ» در اصفهان، منصب امامت جمعه و شیخ‌الاسلامی این شهر را نیز، بر عهده گرفت (خوانساری، ۱۳۶۰: ۷۰). در نتیجه کسب این موقعیت بود که پادشاه صفوی، وظیفه و مستمری مشخصی را، برای وی مقرر نمود (بوسه، ۱۳۶۸: ۲۸۰). همچنین، قرار گرفتن در این موقعیت، باعث شد که سبزواری در سفرهای متعدد، از جمله، سفر منتهی به فوت شاه‌عباس، در خسروآباد دامغان (کمپفر، ۱۳۶۳: ۴۰)، پادشاه صفوی را، همراهی و ملازمت نماید (شاملو، ۱۳۷۴: ۲۱). خاتون‌آبادی، درباره این سفر می‌نویسد که «نواب خلدآشیاں صاحبقران، شاه‌عباس ثانی، آخوند را، تکلیف فرموده، همراه برد» (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۰). همان‌گونه که ذکر گردید، اوج روابط سبزواری، با حکومت صفوی و نیز فعالیت‌های علمی و مذهبی وی، در دوره پادشاهی عباس دوم صورت گرفت. از جمله این فعالیت‌ها، می‌توان به تألیف کتاب *روضه (الانوار عباسی)*<sup>۴</sup>، اشاره نمود که به دلیل موضوعات گوناگون مطرح شده در آن، نظیر مفاهیم و مضامین مرتبط با آئین حکمروایی، تدبیر حکومت و عدالت‌ورزی، با تکیه بر مبانی تشریحی و حتی ایرانشهری، از همان دوره صفوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. به عبارت دیگر، این کتاب که می‌توان آن را، گونه‌ای منشور

۱. سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۷۸، ۱۸۲.

۲. همان، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۳.

۳. سبزواری در *روضه (الانوار عباسی)*، خود را محمدباقر شریف سبزواری نامیده است (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۴).

۴. از دیگر آثار سبزواری، *کفایه (الاحکام و ذخیره المعاد فی شرح الارشاد)* است که به خاطر کتاب ذخیره به صاحب ذخیره نیز مشهور شده است (تهرانی، ۱۴۰۸: ۱۹).

حکمروایی به حساب آورد، بر اساس گرایش‌های تشریحی<sup>۱</sup> و مرآتی<sup>۲</sup>، تألیف شده و سبزواری، با بهره‌مندی از رهیافت‌های مندرج در آن، به تبیین اخلاق حکومت‌داری و کشورداری برای شاه‌عباس دوم، پرداخته (صفت‌گل، ۱۳۸۱: ۴۹۷)، است. در این راستا، در مورد چگونگی تألیف این کتاب اشاره می‌کند که «گاهی به خاطر می‌رسید که کتابی تألیف نماید، مشتمل بر آن چه پادشاهان راه، در کار باشد [...] و آن چه ایشان راه، نافع باشد، به حسب تدبیر و مصلحت ملکی، لیکن بی اشاره اعلی، اقدام به این امر نمی‌نمود تا آن که قاید توفیق، مساعدت نموده [...]، از جانب اعلی، اشاره اشرف، به امر مذکور، عزّ صدور یافت» (سبزواری، ۱۳۸۳: مقدمه).

### ۳. بحث

#### ۳-۱. محقق سبزواری و موضوع حکمروایی

با توجه به مباحث مطرح شده در فوق، مسئله حکومت و ماهیت حکمروایی در عصر صفوی نیز، از مؤلفه‌هایی است که در نزد اندیشمندان این دوره از اهمیت شایانی برخوردار است. به طوری که در این زمینه دیدگاه‌هایی که در برخی موارد، در تقابل و در تضاد با هم بودند، از سوی آن‌ها مطرح گردید. به عبارت دیگر، این موضوع سبب بروز دو رویکرد غالب از سوی اندیشمندان این دوره شد. براساس رویکرد اول، حکومت صفوی، حکومتی نامشروع و غاصب در عصر غیبت بود، بنابراین، همکاری و همسویی با آن، از سوی فقهای طرفدار این نظریه، مانند شیخ ابراهیم قطیفی «م. ۹۴۰ هـ.ق»، مقدس اردبیلی «م. ۹۹۳ هـ.ق»، شهید ثانی «۹۱۱-۹۶۶ هـ.ق»، مردود دانسته شد (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۴۶۲).<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد، با توجه به این رویکرد است که خواندمیر، می‌آورد که علاءالدین علی بن عبدالعال «۸۷۰-۹۴۰ هـ.ق»، حاضر به دریافت سیورغال از شاه اسماعیل اول «۹۰۷-۹۳۰ هـ.ق» نشد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۶۱۰/۴). در مقابل، دیدگاه دوم است که بر پایه آن، اندیشمندان پیرو این دیدگاه، حکومت صفوی راه، حکومتی جایز و مشروع و حلقه اتصال به حکومت صاحب‌الامر، به حساب آوردند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۷؛ عاملی، ۱۳۵۷: ۱۵۵؛ قمی، ۱۳۸۳: ۲۵۱/۱). از این منظر، مبانی اندیشه‌های محقق سبزواری، در کسوت اندیشمندی شیعه مذهب که در گروه صاحب‌نظران حامی حکومت صفوی قرار دارد، بررسی می‌شود. بخصوص که رویکردهای وی، در ارتباط با این موضوع، در مقطعی از حکومت صفوی، بروز می‌کند که شرایط همکاری

۱. اندیشه‌های دینی و سیاسی یا سیاست دینی، نگرشی در تاریخ اندیشه سیاسی اسلامی است که از آن تحت عنوان شریعت‌نامه یا شریعت‌نامه‌نویسی، تعبیر شده است (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۹). این حوزه با استناد به منابع اصلی اسلامی یعنی قرآن و سنت، به تبیین آموزه‌های سیاسی با رویکرد دینی و غایت‌مدارانه پرداخته است. در واقع، در این نگرش خلافت و امامت محور و موضوع عمده و اصلی به حساب می‌آید.

۲. اندیشه‌های مرآتی ریشه در آیین حکمروایی ایرانی قبل از اسلام دارد. این رویکرد به‌ویژه در عصر ساسانی از اهمیت بسزایی برخوردار گردید. در دوره اسلامی نیز حوزه اندیشه مرآتی یا سلوکی، مورد توجه اندیشمندان مسلمان واقع شد. این موضوع بخصوص با ظهور خواجه نظام‌الملک و تألیف سیاست‌نامه جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در واقع این رویکرد، ریشه در آموزه‌های ایران قبل از اسلام در ارتباط با مسئله اصالت قدرت با برداشتی واقع‌گرایانه دارد.

۳. اساس مخالفت آنان به غاصب دانستن حاکمان در عصر غیبت و مسائلی چون حلال یا حرام بودن پرداخت خراج به حکومت غاصب و وجوب عینی و یا تخیری نماز جمعه و امثال آن بوده است (خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۴۶۲).

فقه‌های شیعه مذهب با این حکومت، رو به فزونی می‌گذارد. با این ویژگی که سبزواری، علی‌رغم تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که از حکومت انجام می‌دهد، هیچ‌گونه، اشاره‌ای به جایگاه و حق فقه‌های شیعه در امر حکمروایی در عصر غیبت نداشته و فقط، به‌صورت گذرا و البته تا حد زیادی مبهم، این موضوع را، مطرح می‌نماید که پادشاه صفوی که در عصر غیبت امام اصلی حکومت می‌کند، به هنگام مواجه با مسائل و مباحثی که خود توانایی حل و فصل آنرا ندارد، بایستی به فتاوی فقه‌های شیعه مراجعت نماید. «اما حق در این ابواب بعضی تفصیل است که در علم شریعت و فقه دانسته می‌شود و در آن ابواب، پادشاه، رجوع به فتاوی علما و فقها باید نمود» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۵). این موضوع، نشان می‌دهد که سبزواری تلاش دارد، پادشاه صفوی را، به تعامل با فقها دعوت کند؛ بنابراین، از ضرورت تأسیس حکومت توسط فقیه سخنی به میان نمی‌آورد. با این رویکرد، سبزواری، تقسیم‌بندی زیر، از انواع حکومت را، ارائه داده که عبارت است از اول؛ «حکومت صاحب شریعت، یعنی حکومت نبوی (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۵). دوم؛ حکومت خلیفه و امام که آنرا جانشین صاحب شریعت، محسوب کرده و معتقد است، چون همه خلق، به طوع و رغبت، انقیاد شرع و فرمانبرداری احکام الهی نکنند، ایشان را، حاکمی عادل باید [...] و آن شخص را، امام و خلیفه خدا گویند. سوم؛ حکومت حکام و سلاطین، در عصر غیبت امام اصلی که شرایط و زمینه قدرت‌یابی ایشان فراهم آمده باشد. درواقع، پس از این طبقه‌بندی سه‌گانه است که سبزواری، به‌صورت مبسوط، به ارائه توضیحاتی در این خصوص پرداخته و با توجه به این موضوع که امامت، از مؤلفه‌های اصلی مذهب شیعه است، تشریح می‌کند که «پادشاه مطلق و امام و حاکم علی‌الاطلاق، گاهی پیغمبر باشد [...] و گاهی غیر نبی باشد، چون حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه هدی علیهم‌السلام» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۶)؛ بنابراین، در خصوص گونه دوم حکومت، به‌صراحت اعلام می‌کند، «اعتقاد باید کرد که بعد از رحلت حضرت رسول از دار دنیا، خلافت و امامت حق حضرت علی‌ابن ابی‌طالب است، به نصّ حضرت رسول و وحی از جانب خدای عزّوجلّ [...]، بعد از شهادت حضرت امیرالمؤمنین، امامت، حق حضرت امام‌حسن است و همچنین تا آخر دوازده‌امام، به ترتیب معروف معلوم» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

به‌نظر می‌رسد، هدف اصلی سبزواری، از این تقسیم‌بندی، ارائه راهکاری، به‌منظور توجیه حکومت مستقر زمان، یعنی حکومت صفویه است؛ زیرا که وی نیز، این حکومت را، حکومتی جایز دانسته و توضیح می‌دهد که «به حسب حکمت‌ها و مصلحت‌ها، چون این زمانکه حضرت صاحب‌الزمان و خلیفه‌الرحمان [...]، چون آفتاب، در حجاب سحاب پنهان است، اگر پادشاهی عادل مدبّر که کدخدایی و ریاست این جهان را نماید، در میان خلق نباشد، کار این جهان به فساد و اختلال انجامد [...]، بلکه لابد و ناچار، ضرور است خلق را، از پادشاهی که به عدل زندگانی نماید و پیروی سیرت و سنت امام اصلی کند و در دفع شرّ ظالمان بکوشد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۷).

در واقع، سبزواری، با ارائه این توجیهاات، درصدد است، حکومت صفوی را، مصداق حکومت عادل تحقّق یافته، در عصر غیبت امام اصلی و جانشین حکومت ائمه شیعه معرفی نماید و از این طریق، گونه‌ای

مشروعیت برای این حکومت شیعه‌مذهب فراهم آورد. برپایه این نگرش، علاوه بر بیان حکمت و تدبیر الهی، در وجود پادشاهان و فوایدی که بر آن مترتب است (همان)، مباحث زیادی، از مطالب مندرج در این کتاب راه، در قالب گرایش‌ها و نگرش‌های تشریحی و شیعیانه، به موضوع حکومت و حکمروایی و اصول و مبانی آن اختصاص می‌دهد. به نظر می‌رسد، آبخشور این دیدگاه، از آنجایی باشد که محقق سبزواری، به دلیل ارتباط طولانی مدت با حکومت صفوی و شناخت اوضاع و شرایط این دوره، بخصوص بروز شرایط و ناهنجاری‌های ناشی از تغییرات و تبدلات در عرصه اقتصاد ارضی و زمینداری (بنانی و دران و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۷، لاکهارت، ۱۳۹۴: ۱۹)، درصدد آگاهی‌بخشی به پادشاه صفوی، برآمده و به پیروی از دیگر اندیشمندان این عرصه، مناسب‌ترین ترفند راه، ارائه راهکارهایی با مختصات تشریحی و شریعتمدارانه، در قالب دستورالعمل حکومتی و شیوه‌کشورداری، یعنی تألیف روضه‌الانوار عباسی، تشخیص داده است که به ادعای خود «سال‌های دراز، طبقات ملوک و سلاطین و غیرهم راه، از آن انتفاع عظیم حاصل شود» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۴). موضوعی که کنه و بنیان آن راه، آراء و اندیشه‌های امام‌علی، تشکیل می‌دهد و در بخش‌های مختلف روضه‌الانوار عباسی، بازتاب می‌یابد. بدین ترتیب که در اندیشه‌های امام، حکومت، امری ضروری و گریزناپذیر به حساب آمده که در سایه آن، اوضاع و شرایط اجتماع، سامان یافته و هنجارهای متناسب با این اوضاع و شرایط، در جامعه رواج خواهد یافت. براین اساس است که امام، اعتقاد دارد، جامعه در هر حالتی، باید دارای حکومت، خواه نیکوکار و خواه تبه‌کار باشد. از این روی، می‌فرماید که «لابد للناس من امیر برّ او فاجر» (خطبه/۴۰). در واقع، امام‌علی، با این رویکرد، قوانین نامطلوب راه، از هرج و مرج و بی‌قانونی، بهتر و آسیب و تباهی آن راه، کمتر دانسته است؛ بنابراین، موضوع محال بودن عدم وجود حکومت راه، مطرح می‌کند و اعتقاد دارد که در برابر بی‌قانونی، تمام راه‌های نجات مسدود و کلیه امور و حدود تعطیل می‌گردد و فتنه حاکم می‌شود (اویس کریم، ۱۴۰۸: ۲۳۴). البته، این سخن امام، نه به معنای تأیید دولت و حکومت ستمگر، بلکه بیانگر اهمیت جایگاه دولت و حکومت در اجتماع است؛ زیرا که در جای دیگر می‌فرماید: «ایها الناس، ان احق الناس بهذا الامر، اقوام علیه و أعلمهم بامر الله فیه (خطبه/۱۷۳). ای مردم، سزاوارترین مردم به امر خلافت، توانمندترین مردم به آن [...] است». این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که از سوی دیگر اندیشمندان، بخصوص اندیشمندان شیعه مذهب نیز، مورد توجه قرار گرفته، به آن تأسی جسته و انگاره‌های خود راه، در این زمینه ارائه نموده‌اند. به طوری که مطهری، با بهره‌گیری از همین نگرش، توضیح می‌دهد که در نبود حکومت صالح، حکومت فاجر و ناصالح، از نظر عقلی بر هرج و مرج مقدم است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۲). برپایه همین رویکرد است که محقق سبزواری نیز، نظریه خود، در خصوص امر حکمروایی راه، از بحث اجتماع و نیازمندی آدمیان به زندگی اجتماعی آغاز کرده و معتقد است که انسان‌ها در زندگی به هم محتاج هستند و این احتیاج در اجتماع برآورده می‌شود؛ اما چون مردمان داعیه‌های گوناگون دارند و میل به مال و شهوت و اختلاف در خواسته‌ها، کار راه، به نزاع و خصومت می‌کشاند، از این رو، جامعه نیازمند تدبیر یا حکومت است.<sup>۱</sup> بنابراین، پس از تبیین این تدبیر و

۱. سبزواری، از اصطلاح تدبیر برای تعریف حکومت استفاده کرده است (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۵).

مشخص نمودن جایگاه حکومت در اندیشه‌های خود، مشخصات و ویژگی‌های آن را، ارائه می‌نماید. همچنین، ضمن طبقه‌بندی مؤلفه‌های مرتبط با امر حکمروایی، نظیر اندرز و وصیت به حکام و پادشاهان، روابط متقابل ایشان با دیگر گروه‌های اجتماعی و حتی سیاست خارجی، با بهره‌گیری از شواهد تاریخی، امثال و حکم و تلفیق آن‌ها با انگاره‌های شیعیانه، به‌خصوص، مفاد و مندرجات نهج‌البلاغه، به تشریح هر یک از این مؤلفه‌ها می‌پردازد. از این‌رو، نمادها و نشانه‌های زیادی از گفتارهای امام‌علی را، به مسائل مربوط به حکومت صفوی، تعمیم داده و بر ضرورت وجود حکومت و مؤلفه‌های آن، به‌خصوص برقراری زمینه‌های عدالت و دفع ظلم، به‌منظور فراهم‌شدن شرایط تعیش اجتماع، تأکید می‌کند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۷). از این منظر، در میان وظایف متعددی که سبزواری، برای حکومت برمی‌شمارد، انتظام امور و تأمین و ایجاد ثبات داخلی را، بر سایر وظایف حکومت ارجح می‌داند. از این‌رو، با هدف تأکید بر این وظایف، با بهره‌مندی از گفتارهای امام، می‌نویسد که «من دلائل الدوله، قله الغفله، از دلائل دولت است کمی غفلت» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۶؛ خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۹۶). از سوی دیگر، موضوع اسباب زوال و اختلال ملک را، مطرح و عوامل متعددی، نظیر ظلم پادشاه، ظلم عمال و امرا، بسیاری اشتغال پادشاه به شرب و لهو و لذات و غفلت از امور ملک، تندخویی و درشت‌گویی پادشاه، خرج‌ها و بخشش‌های بی‌جا، خرابی مملکت و بی‌سرانجامی و تفرق رعیت، کمی لشکر، خصومت و عداوت و منازعه میان امرا و خواص پادشاه، تفویض امور به وزرا و امرا و جماعتی که فاقد توانایی و تخصص لازم هستند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۴) را، از اسباب برهم خوردن این انتظام و آغاز افول و انحطاط دولت‌ها به‌حساب می‌آورد. در این ارتباط اعتقاد دارد که پادشاه به هنگام تفویض مناصب و تدبیر اشغال و اعمال سلطانی، باید به‌منظور جلوگیری از بروز این زوال و انحطاط، چند شرط را رعایت نماید. از جمله، اشخاصی که نامزد دریافت شغل و منصبی هستند، نباید که از ارادل و اسافل باشند «زوال الدوله، باصطناع السفل، زوال دولت‌ها تربیت کردن و نیکویی نمودن با سفلگان است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۲). همچنین، به‌منظور تأکید بر این موضوع، می‌آورد که «از کلمات مقدسه حضرت امیرالمؤمنین مذکور است که اذا ملک الارادل، لک الافاضل، هرگاه بدان و مردان رذل که به بدی و اخلاق و ناخوشی سیر موصوفند مالک زمام امور شوند، نیکوکاران و صاحبان فضایل و معالی هلاک خواهند شد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۱؛ خوانساری، ۱۳۶۰: ۱۲۹)؛ بنابراین، تأکید می‌کند که «اذا استولى اللئام، اضهد الكرام، یعنی هرگاه لئیمان استعلا و استیلا یابند، کریمان مقهور و مضطر شوند» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۱؛ خوانساری: همان). در حقیقت، سبزواری، بروز این شرایط و ناهنجاری‌ها را، از شواهد و دلایل غفلت حکومت محسوب و تأکید می‌کند که حکومت باید این غفلت‌ها را، به حداقل برساند. در این مبحث نیز سبزواری، به تلفیق میان شواهد و نمادهایی از انگاره‌های تشریحی و مرآتی می‌پردازد و داستانی از خسروانوشیروان را، بدین ترتیب روایت می‌کند که «نوشیروان، از موبد موبدان پرسید که زوال مملکت در چه چیز است، گفت، اول؛ در پوشیدن خبرها از پادشاه، دوم؛ در تربیت مردم فرومایه و سوم؛ در ظلم عمال» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۲). در استمرار این رویکرد، یعنی چرایی زوال و انحطاط حکومت‌ها، محقق سبزواری، همچنان نشانه‌هایی از اندیشه‌های امام‌علی را، به‌کار می‌گیرد و براساس آن



اعتقاد دارد که «تولی الاراذل و الاحداث الدول دلیل انحلالها و ادبارها، متولی شدن اراذل و تازگان خردسال دولت‌ها را، دلیل است بر انحلال آن دولت و ادبار آن» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۲؛ خوانساری، ۱۳۶۰: ۲۹۵). علاوه بر این موضع‌گیری‌ها، سبزواری، با هدف بهبود شرایط حاکم بر اجتماع عصر خود که می‌توان آن را، ناشی از تغییرات صورت گرفته در ساختار اقتصاد ارضی این دوره دانست، راهکارهایی را، پیشنهاد می‌کند که همچنان اساس آن را، دیدگاه‌های امام‌علی، تشکیل می‌دهد. بر همین اساس، می‌نویسد که «آنچه به‌ظاهر در حفظ ملک و دولت دخیل است و آن محافظت رعیت و خزانه و لشکر و نصب مردم کاردان صاحب کفایت است از عمال و وزرا و سران سپاه و محافظان قلاع و سرحداتی ملک و غیر و ذلک» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۶).

باورمندی سبزواری، بر این انگاره‌ها، سبب می‌شود که وی، در مواقع دیگر نیز، به تلفیق میان اندیشه‌های ایران‌شهری و تشریحی بپردازد، از این‌رو، هنگامی که در خصوص عدالت‌ورزی انوشیروان، سخن می‌گوید، از گفتارهای امام عاریت گرفته و می‌نویسد: «من دلائل الدوله، التقیظ بحراسه الامور، از دلائل دولت است بیداری و هشیاری جهت محافظت امرها» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۵). از دیگر موضوعاتی که ارتباط تنگاتنگی، با مسئله حکمروایی دارد، موضوع نگهداری سپاه و نیروی نظامی است که سبزواری در این خصوص نیز، با هدف تأکید بر اندیشه‌های خود، به تبعیت از امام‌علی، سستی و اهمال در این امر مهم را، از عوامل اصلی زوال و انحطاط حکومت‌ها می‌داند. به‌نظر می‌رسد، اهمیت این موضوع، نزد امام‌علی، سبب شده است که در فرصت‌های مختلف به آن اشاره نماید و به‌ویژه در نامه ایشان به مالک اشتر، بر جوانب مختلف آن، تأکید شده است. در این میان سبزواری با اشاره به این بخش از گفتارهای امام که می‌فرماید:

«الجنود باذن الله حصون الرعيه زين الولاة و عزالدین و سيل الامن و ليس تقوم الرعيه الا بهم، لشکریان با اذن الهی دژهای رعیت، زینت والیان، مایه عزت دین و راه‌های امنیت‌اند و رعیت جز به یمن آنان قوام نیابند» (نامه ۵۳/۵۳، سبزواری، ۱۳۸۳: ۸۳۶).

به پادشاه صفوی، توصیه می‌کند که مسئله نیروهای نظامی و حفظ و تقویت آن، از اهم مسائلی است که باید از جانب حکومت مورد توجه واقع شود و بر این باور است که دولت عاقل باید، «همیشه تهیه خود مهیا داشته باشد و از روی قاعده احتیاط‌ها منظور دارد و همیشه عدت و آلت او مهیا باشد تا مواد طمع‌های دشمنان از ملک او منقطع باشد و دست تطاول و تعدی ایشان از اطراف و جوانب ملک کوتاه باشد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۵).

از دیگر، موضوعاتی که دقت نظر سبزواری و اشراف وی بر مسائل مرتبط با امر حکمروایی را، نشان می‌دهد، مسئله چگونگی فرستادن سفرا به دربار سایر دولت‌ها و قابلیت‌های آن‌هاست. در این زمینه نیز، پس از بحث و بررسی موضوع، از گفتارهای امام در تبیین ویژگی‌های سفرا بهره‌مند شده، می‌آورد که «رسول الرجل ترجمان عقله و کتابه، ابلغ من نطقه، یعنی رسول مرد، ترجمان عقل است و نوشته او، ابلغ از سخن گفتن اوست» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۸۱۵، خوانساری، ۱۳۶۰: ۹۷/۹). در این ارتباط نیز، با تکیه بر

رویکرد آموزش محور خود در روضه‌الانوارعباسی که مشخصاً خطاب به پادشاه صفوی، یعنی عباس دوم، تدوین گردید، می‌آورد که «ایلچی، به جانب پادشاه مخالف در دو صورت باید فرستاد، یکی آنکه از طرفین طریقه محبت و مودت مسلوک باشدو تقریبی باشد، چون تهنیتی و تعزیتی و امثال آن، ایلچی، مردی عاقل دانای فصیح سخندان حاضر جواب، شجاع، حمیده اخلاق، قاعده‌دان، عارف رسوم و قواعد مجالس سلوک، بوده باشد» (همان). و در تأکید بر این دیدگاه، می‌نویسد که «از کلمات آن حضرت - امام علی - منقول است که رسولک میزان نبلک، رسول تو، میزان فضل و آگاهی تو است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۸۱۵، خوانساری، ۱۳۶۰: ۱۰۰/۴).

### ۳-۲. محقق سبزواری و عدالت‌ورزی

بی‌تردید، عدالت و عدالت‌ورزی، در قاموس فکری اندیشمندان ایرانی، از مهم‌ترین مفاهیم شناخته شده به حساب می‌آید که به انحاء مختلف، به آن عطف توجه صورت گرفته و در بسیاری از آثار و تألیفات این حوزه، بازتاب یافته است. درواقع، توجه به این مؤلفه، در متون مختلف ادبی و تاریخی، نظیر سیرالملوک‌ها و اندرزنامه‌ها، از دو منظر اندیشه‌های ایرانشهری و مبانی اسلامی، یا اندیشه‌های مرآتی و تشریحی، صورت گرفته و در بسیاری از موارد، میان این دو وجه، تلفیق و همسویی، رقم خورده است. موضوعی که شواهد زیادی از آن، در اندیشه‌های فارابی «۳۲۸-۲۵۰ هـ ق» (فارابی، ۱۳۵۸: ۱۶۱)، خواجه نظام‌الملک طوسی «۴۰۸-۴۸۵ هـ ق» (طوسی، ۱۳۶۹: ۶۱)، امام‌محمد غزالی «۴۵۰-۵۰۵ هـ ق» (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۳)، ابوالحسن ماوردی «۳۶۴-۴۵۰ هـ ق» (ماوردی، ۱۴۰۶: ۲۱) و بسیاری دیگر از آثار این عرصه، بازتاب یافته است. درحقیقت، اهمیت این مؤلفه، جزءلاینفک اندیشه سیاسی ایران‌زمین بوده و اندیشمندان دوره‌های مختلف تاریخی، توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. از این روی است که در انگاره‌های اندرزنامه‌ای اندیشمندان عصر صفوی، از جمله متون تاریخ‌نگاری (قمی، ۱۳۸۳: ۳۸۹، ترکمان، ۱۳۸۲: ۴۰۴، قزوینی، ۱۳۶۷: ۷)، و آداب‌الملوک‌ها (علوی عاملی، ۱۳۸۴: ۲۳، مینورسکی، ۱۳۷۸: ۱۲)، نیز، منعکس گردیده است. این مسئله، یعنی دادگری و دادورزی پادشاهی صفوی، از چنان اهمیتی برخوردار بود که حتی برخی ناظران و سیاحان خارجی این دوره نیز، در آثار خود، به‌صراحت به آن اشاره می‌نمایند (کارری، ۱۳۴۸: ۱۶۶، دل‌واله، ۱۳۷۰: ۴۵۱). با ذکر این مباحث و با هدف روشن شدن دیدگاه‌های محقق سبزواری، موضوعات مختلف مطرح شده در روضه‌الانوار عباسی، موردبررسی قرار گرفته و در نتیجه آن، مشخص می‌شود که وی، در تبیین این موضوعات، علاوه بر انگاره‌های مرآتی، از انگاره‌های شیعیانه نیز، به فراوانی، استفاده نموده است. بر پایه این رویکرد، سبزواری، از یک‌سو، در سیر ترقی و از سوی دیگر، در جریان انحطاط حکومت‌ها، برای مؤلفه عدالت، نقشی اساسی قائل شده و معتقد است، عدالت موجبات قوام و استمرار حکومت‌ها را، فراهم خواهد آورد، بنابراین، می‌نویسد که «اکثر دولت‌ها مادام که صاحبان آن [...] سیرت عدل شعار خود ساخته‌اند [...] دولت ایشان را، قوامی و ملک ایشان را، انتظام، می‌بوده» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۳). با این دیدگاه، سبزواری نیز، به مانند بسیاری دیگر از اندیشمندان (غزالی، ۱۳۵۱:

۴۰؛ طوسی، ۱۳۶۹: ۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۱۰). این عرصه، از حدیث معروف «الملک یقی مع (الکفر ولایقی مع الظلم»، بهره برده (سبزواری، ۱۳۸۳: ۷۱)، و عدالت را، از نشانه‌های خردمندی پادشاهان دانسته است (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۲). سبزواری، هشت فایده را برای عدالت برشمرده است، بدین شرح: «اول؛ عدالت باعث خشنودی و رضای خداست. دوم؛ آنکه باعث درجات و ثبوتات و دخول روضات جنان [...] است. سوم؛ آنکه شکرگزاری نعمت‌های ربانی است. چهارم؛ آنکه، رعایا و زیردستان، امانتی چندند که خدای نزد پادشاهان سپرده، بر ایشان لازم است، حفظ امانت بکنند. پنجم؛ آنکه، عدل باعث نام نیکو و ذکر جمیل می‌شود. ششم؛ آنکه عدل باعث دعاگویی رعایا و زیردستان و سایر مردمان می‌شود. هفتم؛ آثار و برکات عدل به اولاد و اعقاب سرایت می‌کند. هشتم؛ عدل باعث معموری و آبادانی ملک می‌شود» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

او سپس گروه‌های اجتماعی را نیز که تحت عنوان اولیاء، از آن‌ها نام می‌برد، به چهار دسته مشخص، یعنی اهل قلم، اهل شمشیر، ارباب معاملات و اهل زراعت، تقسیم نموده و ایشان را، امانت‌های الهی می‌داند که به دست حکام و پادشاهان سپرده شده‌اند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۳). به نظر می‌رسد، آنچه در این تقسیم‌بندی، برای سبزواری، اهمیت دارد، وظیفه دادگری حکومت، در قبال گروه‌های چهارگانه فوق است؛ که براساس آن، حکومت موظف است، به‌منظور حفظ تعادل در اجتماع، هر یک از این گروه‌ها را، در مرتبه و جایگاه خود نگه‌دارد؛ بنابراین، اعتقاد دارد که اگر حکومت این وظیفه را انجام ندهد و در نتیجه، تعادل و توازن موجود، میان این گروه‌ها از بین برود و طبقه‌ای، بر طبقات دیگر غلبه پیدا کند، این عدم تعادل، موجبات فساد، اختلال و زوال را، در نظامات اجتماعی، فراهم می‌آورد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۴). از این منظر، سبزواری، علاوه بر اقتباس از سخنان امام‌علی که عدالت را، زیب و زینت حکمروایان دانسته و می‌فرماید «العدل قوام الرعیه و جمال الولاه» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۷۳/۱)، تشریح می‌نماید که هرگاه در امور اجتماع و رعیت که همان اولیاء هستند «عدل نباشد، امور رعیت از هم بپاشد و اختلال کلی به احوال ایشان راه یابد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۸). در این ارتباط، آنچه زمینه برجسته شدن دیدگاه‌های محقق سبزواری را، فراهم می‌کند، بهره‌مندی وی، از اندیشه‌های امام‌علی، در مباحث مختلف، به‌خصوص عدالت است که در روضه‌الانوارعباسی، بازتاب‌های فراوانی می‌یابد. در این میان، موضوع مشخصی که خودنمایی می‌کند، آگاهی سبزواری، بر این امر است که در اندیشه‌های امام، مؤلفه عدالت و برقراری عدل، مهم‌ترین وظیفه حکومت است و رفاه و آسایش آحاد جامعه، در سایه این عدالت امکان‌پذیر می‌گردد. در واقع، دیدگاه صریح امام، روشن می‌سازد که برقراری عدالت، برترین عمل و رهبر عادل، بهترین و شایسته‌ترین بندگان خداوند است؛ بنابراین، سبزواری، در خصوص این مؤلفه نیز، در موارد متعدد با تضمین سخنان امام، داد سخن، داشته و به هنگام تبیین آن، می‌نویسد که «سلطان عادل، خیر من مطر و ابل» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۵۴)، بدین معنی که پیشوای عادل، از باران پیوسته که همه چیز را، بارور می‌کند بهتر است» (خوانساری، ۱۳۶۰: ۳۸۶/۱). به‌عبارت‌دیگر، این نمادها، روشن می‌سازد که عدالت‌ورزی حکمروایان، در اندیشه‌های امام‌علی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. از این‌رو، بسیاری از اندیشمندان مسلمان،

بخصوص اندیشمندان شیعه مذهب، از این دیدگاه‌ها، بهره‌مند شده و در تبیین رویکردهای خود، جنبه‌های مختلف این مؤلفه را، مدّ نظر قرار داده‌اند. با این نگرش، امام‌علی، عدالت را، از آرایه‌های بنیادین حکمروایی و هسته اصلی سیاست دانسته است (نظری، ۱۳۸۷: ۶۵) که باعث حیات و زندگانی اجتماع شده و در مقابل، ظلم و ستم، موجبات مرگ و فناى جامعه را، فراهم خواهد آورد. جالب‌توجه است که محقق سبزواری، مضمون این گفتار امام را، به هنگام ارائه تبیینات خود، در خصوص تأکید بر عدالت‌ورزی قباد، پادشاه ساسانی و مهمان شدن وی، در خانه پیرزن صحرائشین، عاریت گرفته و می‌نویسد «زندگانی و رونق همه چیز، به عدل است و جور، محوکننده است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۸۸). همچنین در این ارتباط، از امام‌علی نقل می‌کند که «فی العدل الاقتداء سته الله تعالى و ثبات الدول، یعنی در عدل است اقتدا به سنت و طریقه خدای و ثبات و بقای دولت‌ها که تا طریقه عدل مسلوک است، دولت‌ها برقرار است، بلکه در ازدیاد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۱؛ خوانساری، ۱۳۶۰: ۳۹۲/۱). در این زمینه، برپایه رویکرد شیعه محور خود، به تبیین جامعی از عدالت می‌پردازد و توضیح می‌دهد که

«حقیقت عدالت، به آن تحقق می‌یابد که پادشاه از حال رعایا غافل نباشد و از آنچه در اطراف و جوانب ملک او واقع شود، خبردار باشد و اگر ظالمی بر مظلومی ستمی کرده باشد و حقی از او باز ستمه باشد، باید که پادشاه آن حق را، از آن ظالم گرفته، به مستحق رساند [...]، بلکه باید که پادشاه، چون بر ظلم ظالم، مطلع شود، تنبیهی که مصلحت شرعی و ملکی تقاضا کند، به‌جا آورد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

به‌نظر می‌رسد، رویکرد سبزواری در تبیین فوق، مبنی بر بهره‌مندی از نگرش‌های امام در ارتباط با موضوع عدالت، در تبیین فوق، از این گفتار امام نشأت می‌گیرد «من اشفق علی السلطان، قصر من عداوته، یعنی هر که، ترسد بر پادشاهی خود و غم سلطنت خود داشته باشد، کوتاه کند تعدی را» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۲). همچنین سبزواری، برپایه این نگرش، با بهره‌گیری از رویکردهای امام، می‌آورد که «ان السلطان لایمن الله فی الارض و مقیم العدل فی البلاد و العباد و وزعته فی الارض»<sup>۱</sup> (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۹۰، خوانساری، ۱۳۶۰: ۶۰۴/۲، صبحی، ۱۳۹۵: ۳۴۶).

از دیگر مباحثی که می‌توان در آن تأثیر نگرش‌های امام‌علی، بر اندیشه‌های سبزواری، در ارتباط با مؤلفه عدالت را، مشاهده نمود، موضوع توصیه‌ها و تذکری است که امام به والیان و فرمانداران خود، در امر حکومت و عناصر آن، بخصوص عدالت، داشته است. به‌نحوی که بررسی مفاد نامه‌ها، خطبه‌ها و گفتارهای امام در این زمینه، روشن می‌نماید که امام، هیچ‌گونه اغماضی، در برخورد با خطاها و بی‌عدالتی‌های کارگزاران خود نداشته و با ترفندهای مختلف ایشان را، از ظلم و ستم نهی می‌کرده است؛ بنابراین، سبزواری نیز، در موارد متعدد با بهره‌گیری از این آموزه‌ها، به پادشاه صفوی، یادآوری می‌کند که عدالت از مهم‌ترین عناصر و از اصول بنیانی حکمروایی است. در این خصوص، تذکر می‌دهد که عدم رعایت این امر، یعنی برقراری عدالت، زمینه بروز ناهنجاری‌های اجتماعی را، فراهم خواهد آورد. از این‌روی، در یکی از خطاب‌های خود به شاه‌عباس دوم، از این روایت امام‌علی استفاده می‌کند که

۱. همانا زمامدار، امین خدا در زمین، بر پا دارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.

«اتقوا دعوه المظلوم، فانه يسأل الله حقه و الله سبحانه اكرم من أن يسئل حقا الا اجاب، از نفرین ستمدیده بترسید، همانا او از خدا حق خویش را، خواسته است و خداوند سبحان بزرگوارتر از آن است که حقی از او خواسته شود مگر این که پاسخ می‌دهد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۲۷ خوانساری، ۱۳۶۰: ۲/۲۴۶).

البته دقت نظر در مباحث مطرح شده در این زمینه، مشخص می‌نماید که سبزواری، از جایگاه و موقعیت پادشاه صفوی آگاه است و در کنار این تذکرات، شأن وی را نیز، رعایت می‌نماید؛ بنابراین، با هدف حفظ این جایگاه از یک‌سو و از سوی دیگر، در توجیه این تذکرات، می‌آورد که «هرکس که در ابتدا تو را، از آفات عواقب بترساند تا آنکه این ترس باعث امنیت شود، به از کسی است که تو را، در ابتدا امن سازد تا آنکه آن امنیت باعث ترس و اندوه عاقبت شود، چه، هرگاه کسی در ابتدا بترسد تهیه و استعداد کرده، مراعات حزم خواهد کرد و عاقبت کار منتظم خواهد شد و باعث امنیت و رفاهیت خواهد شد» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۲۰۲). وی در ادامه این توجیهات، می‌آورد که «من دعاک الی الدار الباقیه و اعانک علی العمل لها فهو الصدیق الشفیق» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۲۰۱، خوانساری، ۱۳۶۰: ۱/۵۵۳).

اهمیت این مؤلفه در انگاره‌های سبزواری، سبب می‌شود که وی، در موارد دیگر نیز، به‌منظور تأیید و تأکید بر انگاره‌های خود، آن را، به خطبه‌ها و گفتارهای امام‌علی، ارجاع دهد و از آن‌ها در تأیید این انگاره‌ها استفاده نماید. به‌عنوان نمونه، آن‌جایی که از تدبیر پادشاه با طبقات مختلف اجتماع، سخن می‌گوید، این گفتار امام را، شاهد مثال می‌آورد که «دوله الوغاء مینه علی الظلم و الفساد، دولت مردمان دنی و شکم‌پرست، مبنی بر ظلم و فساد است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۶۱). همچنین، هنگامی که داستان بهرام‌گور، پادشاه ساسانی و پناه بردن به باغ انار یکی از رعایای خویش را، نقل می‌کند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۷)، با آگاه بودن از این موضوع، به تلفیق میان دو وجه مهم، از وجوه اندیشه سیاسی، یعنی دیدگاه مرآتی و تشریحی، می‌پردازد و حتی از چند گفتار امام، در تبیین این واقعه بهره می‌گیرد. از آن جمله، آنجا که می‌نویسد «العدل فوز الکرامه، عدل فیروزی و کرامت است» و نیز «الظلم یطرد النعم، البغی یجلب النقم، ظلم طرد و منع می‌کند نعمت‌ها را و باعث زوال نعم موجود و منع کرامت مفقود می‌گردد» و «العدل نظام الامر، انتظام امارت و حکومت به عدل است» (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۸۹). در این ارتباط، نکته قابل توجه این است که سبزواری، در ادامه رویکرد عدالت محور خود، به بهره‌گیری از یکی از مهم‌ترین نامه‌ها و مباحث ارائه شده در نهج‌البلاغه، یعنی نامه امام به مالک اشتر که می‌توان آن را، چکیده و فصل‌الخطاب اندیشه‌های امام در مورد مسائل مختلف حکمروایی، به حساب آورد، می‌پردازد (سبزواری، ۱۳۸۳: ۸۲۶-۸۲۵). به این دلیل که مؤلفه عدالت در این نامه، همچنان از عناصر مهم و مورد توجه امام بوده و ایشان، در چندین مورد، بر لزوم بسط و تسری آن در بخش‌های مختلف اجتماع، تأکید نموده است، به‌طوری که در این خصوص به‌صراحت به کارگزار خود، یعنی مالک اشتر توصیه می‌نماید «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که نه از حق بگذرد و نه فرو ماند و عدالت آن فراگیرتر بود» (نامه/۵۳، سبزواری، ۱۳۸۳: ۸۲۹).

### نتیجه‌گیری

ظهور حکومت صفویه، زمینه بهره‌گیری و بهره‌مندی هرچه بیشتر اندیشمندان این عصر از منابع مأخذ معرفتی شیعه، به‌ویژه نهج‌البلاغه را فراهم آورد. در این میان، اندیشمندان شریعت‌نامه‌نویس این دوره، با توجه به زیست‌جهان<sup>۱</sup> کلامی و تشریحی خود، بیشترین بهره‌مندی را، از این منبع معرفتی داشتند. از این منظر و در نتیجه مباحث صورت گرفته در نوشتار حاضر، این نتایج حاصل گردیده است.

۱. اندیشه‌های محقق سبزواری است در قالب *روضه‌الانوار عباسی*، به‌عنوان اثری در استمرار سلسله آثار تدوین شده بر بستر رویکرد شریعت‌نامه‌نویسی، در مجموعه فرهنگ و تمدن اسلامی عصر صفوی، زمینه ظهور و بروز می‌یابد. در واقع، رویکرد سبزواری در این کتاب بنیانی تشریحی و شریعت‌مدارانه دارد که در برخی موارد و حسب نیاز، به آراء و اندیشه‌های ایرانی‌شهری و حتی فلسفی مرتبط با مقوله حکمروایی و مؤلفه‌های آن، نظیر اندیشه‌های فارابی، خواجه نظام‌الملک، ماوردی و دیگران نیز اشاراتی می‌نماید.

۲. با توجه به این رویکرد، سبزواری با هدف تبیین و تشریح دیدگاه‌های خود، در ارتباط با امر حکومت و مؤلفه‌های آن نظیر عدالت و تدبیر حکومت در عرصه‌های مختلف، تأکید خاصی بر استفاده از اندیشه‌های امام‌علی داشته است. به‌نحوی که در نتیجه آن، کتاب وی، بخصوص در مورد مؤلفه‌های مذکور، قالبی کلامی و شریعت‌نامه‌ای به خود می‌گیرد. در حقیقت، محقق سبزواری که می‌توان وی را، در زمره اندیشمندان اندرزنامه‌نویسی که رویکرد تشریحی داشتند، قرارداد، با تألیف *روضه‌الانوار عباسی*، درصدد است تا گونه‌ای دستورالعمل کشورداری را، برای پادشاه صفوی تدوین و از این طریق، آموزه‌های لازم در این ارتباط را، در اختیار وی قرار دهد. موضوعی که در کنه آن، نشانه‌های زیادی را، از اشراف وی، بر مسائل اجتماع این دوره و نیز آسیب‌شناسی‌های آن، می‌توان تشخیص داد.

۱. اوضاع و شرایط زیست‌مادی و معنوی هر شخص که تأثیر بسیاری بر آموزه‌های وی دارد را، زیست‌جهان آن شخص می‌دانند. در واقع، زیست‌جهان هر فرد، دربردارنده آموزه‌های پیشینی وی است که در شکل‌گیری رویکردهای فکری و حتی انگاره‌های مادی وی مؤثر واقع می‌گردد.

## منابع

- اویس کریم، محمد. (۱۴۰۸). المعجم الموضوعی لنهج البلاغه. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- بامری، نصرت؛ منشادی، مرتضی و اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۶). «سیاست عملی و فنون حکمرانی امام‌علی (ع)، مطالعه موردی حکومت‌مندی در نامه‌های نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه. سال پنجم، شماره نوزدهم، ۸۳-۱۰۰.
- بنائی، امین؛ دران، دارلی و دوبروین و سیوری ولکه‌هارت و نیومن و کری ولش. (۱۳۸۰). صفویان. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.
- بوسه، هربرت. (۱۳۶۷). پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی. مترجم: غلامرضا وره‌رام. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- تاریخ صفویه، خلاصه التواریخ و تاریخ ملاکمال. (۱۳۳۴). به تصحیح ابراهیم دهگان. اراک: انتشارات فروردین.
- ترکمان، اسکندریگ. (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی. مصحح: ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۸). الذریعه الی التصانیف الشیعه. قم: ناشر اسماعیلیان.
- جملی‌کاری، جووانی فرانچسکو. (۱۳۴۸). سفرنامه کاری. ترجمه: عباس نخجوانی. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- جهان‌بخش، جويا. (۱۳۸۰). «میزگرد روضه‌الانوار عباسی». آیینه میراث. سال چهارم. شماره سیزده، ۹۴-۹۶.
- خاتون‌آبادی، عبدالحسین. (۱۳۵۲). وقایع السنین و الاعوام. به کوشش محمدباقر بهبودی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۸۷). حبیب السیر، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: هرمس.
- خوانساری، سید جمال‌الدین محمد. (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالحکم. به تصحیح سیدجلال‌الدین ارموی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۷۰). سفرنامه. ترجمه: شجاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوانی، علی. (۱۳۸۲). «نگاهی به زندگانی پر افتخار شریف رضی». مجله پژوهش‌های نهج البلاغه. شماره ۶، ۵۶-۸۱.
- سبزواری، ملامحمدباقر. (۱۳۸۳). روضه‌الانوار عباسی. اسماعیل چنگیزی اردهایی. (مقدمه و تصحیح). تهران: میراث مکتوب.
- شاملو، ولی‌قلی. (۱۳۷۴). قصص‌الخاقانی. تصحیح: حسن سادات ناصری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صبحی، صالح. (۱۳۹۵ ق). نهج البلاغه. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- صفت‌گل، منصور. (۱۳۸۱). ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- طوسی، خواجه نظام‌الملک. (۱۳۶۹). سیاست‌نامه. به کوشش عباس اقبال. تهران: اساطیر.
- عاملی، بهاء‌الدین محمد. (۱۳۵۷). کشکول، تصحیح و ترجمه ابوالقاسم آیت‌اللهی، تهران: نشر توکا.

- علوی عاملی، سید محمد عبدالحسیب بن سید احمد. (۱۳۸۴). قواعدالسلطین. به کوشش رسول جعفریان. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- غزالی، محمد. (۱۳۸۹). نصیحه‌الملوک. تصحیح: عزیزالله علیزاده. تهران: فردوس.
- فارابی، ابونصر محمدبن محمد. (۱۳۵۸). سیاست مدینه، ترجمه جعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قزوینی، ابوالحسن. (۱۳۶۷). فواید الصوفیه. مصحح: مریم میراحمدی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قمی، قاضی احمد. (۱۳۸۳). خلاصه‌التواریخ. مصحح: احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه. ترجمه: کیکاوس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- لاکهارت، لارنس. (۱۳۹۴). انقراض سلسله صفویه. ترجمه: اسماعیل دولتشاهی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماوردی، ابوالحسن. (۱۴۰۶ق). الاحکام‌السلطانیة. قاهره: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). سیری در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات صدرا.
- مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۱). خاندان شیخ‌الاسلام اصفهان در طول چهارصد سال، از علامه محقق سبزواری تا دکتر علی شیخ‌الاسلام. اصفهان: انتشارات گلپهار.
- مینورسکی، ولادیمیر. (۱۳۷۸). سازمان اداری حکومت صفوی، (تذکره‌الملوک). ترجمه: مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظری، فرشاد. (۱۳۸۷). عدالت و سیاست؛ بررسی ابعاد نظری و کاربردی عدالت در گفتمان سیاسی اسلام و غرب. تهران: دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام.
- وحید قزوینی، محمدطاهر. (۱۳۳۹). عباس‌نامه، یا شرح زندگانی ۲۲ ساله شاه‌عباس ثانی. به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان. ارک: کتابفروشی داوودی.